

ای افنان سدره مبارکه نامه‌ئی که یکی از یاران مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۱۳۵

هو الله

طهران

حضرت افنان سدره مبارکه جناب حاجی میرزا محمد علیه بهاء الله الهی

هو الله

ای افنان سدره مبارکه بر تفصیل مرقومه از حوادث طهران اطلاع حاصل شد فی الحقیقه چنانست که مرقوم نمودید که از احزاب موجوده در ایران کسیکه بحکومت اطاعت و تمکین دارد حزب اللهست زیرا نه بتلویح بلکه بنص صریح مأمور باطاعت حکومتند و صداقت بدولت بلکه بجانفشانی بجهت عزت ابدیه عالم انسانی و اگر چنانچه نفسی از احبا بمنصبی رسد و مشمول نظر عنایت اعلیحضرت شریاری گردد و بمأموریتی منصوب شود باید در امور موکوله خویش بکمال راستی و پاکی و صدق و عفت و استقامت بکوشد و اگر چنانچه ارتکابی کند و ارتشائی نماید مبعوض درگاه کبریاست و مغضوب جمال الهی و حق و اهل حق از او بیزار بلکه بمعونه و موجب خویش قناعت نماید و راه صداقت پوید و در ره ملک و ملت جانفشانی فرماید اینست روش و سلوک بهائیان و هر کس از این تجاوز کند عاقبت بخسران مبین افتد ای بهائیان گروه مکروه ایران را ویران نمودند شما همی کنید بلکه روحی در جسم آن اقلیم بدمید و زنده نمائید تا تلافی مفات گردد و آیات بینات جلوه نماید انسان را عزت و بزرگواری پیاکی و راستی و خیرخواهی و عفت و استقامتست نه بزخارف و ثروت اگر نفسی موفق بر آن گردد که خدمتی نمایان بعالم انسان علی الخصوص ایران نماید سرور سروراست و عزیزترین بزرگان اینست غنای عظیم و اینست گنج روان و اینست ثروت بی پایان والا ننگ عالم انسانیت ولو در نهایت شادمانیست چه قدر انسان باید که غافل و نادان باشد و پست فطرت و پست طینت که خویش را باوساخ ارتکاب و خیانت دولت پیالاید والله حشرات ارض از او ترجیح دارند انتهی



ORIGINAL

ای افنان آنجناب در حقّ ورقّه مبارکه المنتسبه الیک باید برأفت و عدالت بحکم الهی معامله نمائی یا آنان را به طهران
بخواهی یا خود به یزد بشتابی سالهای چند است که مهجور و محزون و مأیوس مانده‌اند بیش از این جائز نه و علیک
التّحیّة و التّناء ع ع